

بقاع متبرکه و امامزاده‌های غرب مازندران

دکتر مصطفی خلعتبری لیماکی^۱

چکیده

در غرب مازندران، ده‌ها امامزاده و بقعه متبرکه وجود دارد که تمامی آنها مورد احترام اهالی هستند و زائران بسیاری برپایه ارادت خاص به خاندان عصمت و طهارت علیهم‌السلام به سمت آنان کشیده می‌شوند. از دید مردم، تمام آنان از سادات هستند و این سادات شیعه، در هر کجا مدفون شدند، بقعه‌ای بر مزارشان بنا نهاده شد. ساخت برنامه‌های مستند از تاریخچه، معماری، شجره‌نامه‌های باقی‌مانده، آیین‌ها و مناسک برپا شده در این بقاع، می‌تواند نظر مخاطبان بسیاری را در سراسر کشور به این گونه برنامه‌ها جلب نماید.

کلیدواژه‌ها: امامزاده‌ها، بقاع متبرکه، بقاع غرب مازندران، شجره‌نامه

امامزاده‌ها، معماری بقاع

۱. دکتری فولکلور از آکادمی علوم جمهوری تاجیکستان و پژوهشگر ارشد صداوسیما

مقدمه

حضور اسلام در ایران، فصل نوینی در حیات معنوی این سرزمین گشود که از نتایج آن، پرورش نسلی بود که ضمن پیوند داشتن با بنیادهای فرهنگ ایرانی، با آیین و مبانی اسلام نیز عجین گشت. در فرهنگ معنوی ایرانیان مسلمان، شهادتگاه شهیدان راه آزادی، عدالت و انسانیت به صورت «زیارتگاه»هایی درآمدند که مورد احترام مردم بودند و در همه ادوار تاریخ این سرزمین، چه در هنگامه پریشانی و چه روزگار نیکبختی و بهروزی، به عنوان پایگاه‌هایی معنوی به حساب می‌آمدند. این اماکن مذهبی از دو جهت مورد احترام و توجه مردم ایران بوده‌اند: از یک سو اعتقاد و ایمان به خاندان نبوت و امامت و گرایش آنان به عدالت و فضایل انسانی، و از سوی دیگر حقیقت وجودی خود این صاحبان مزار که اغلب در ستیز با بی‌عدالتی و ستم زمانه خویش، جان باخته بودند. اینان در برخورد با نظام خلافت و بی‌عدالتی‌های حاصل از نظام سیاسی و اجتماعی موجود، در هر گوشه‌ای که فرصت می‌یافتند، به تکاپو می‌پرداختند و آنگاه که جان بر این راه می‌گذاشتند، برگرد پیکرشان، بر فراز کوه‌ها، اعماق دره‌ها و پهنه دشت‌ها، بقاعی پدید می‌آمد که نام و نشان آنان را در حافظه تاریخ ماندگار می‌ساخت.

مزار امامزادگان در سراسر ایران، از کانون‌های معنوی اسلام به‌شمار می‌روند. اغلب این امامزادگان از سادات شیعه علوی بودند که در پی اقتدار خلافت اموی تا پایان خلافت عباسی در نبرد با دستگاه خلافت، برای برپایی «عدالت آل علی (علیه السلام)» به شهادت رسیدند. امروز، این مزارها، مأمن هزاران انسانی هستند که در لحظات بیم و امید و در اوقات فراغت خود به این زیارتگاه‌ها و اماکن متبرکه می‌روند و به امید گره‌گشایی از مشکلات خود یا بستگان‌شان، به آنها توسل می‌جویند.

انگیزه ساخت بقاع متبرکه

به طور کلی، یکی از انگیزه‌های مهم در ساخت بقاع متبرکه، آموزه‌های شیعی است که کانون اصلی آن در ایران بوده است. مردم ایران با توجه به سابقه طولانی در فرهنگ و تمدن، بیش از هر ملت دیگری به روح اسلام توجه داشته‌اند و توجه آنها به خاندان رسالت، بیشتر از سایرین بوده است. به همین دلیل هم، تشیع با فرهنگ ایرانی پیوندی وثیق یافت؛ چرا که فقط این خاندان می‌توانست به پرسش‌های واقعی روح ایرانی و نیاز آنان که همانا اجرای عدالت است، پاسخ دهد. نفوذ شیعه آن‌چنان قوی بود که برخی شاخص‌های آن مانند بنای بقاع متبرکه، حتی از جانب حاکمان اهل سنت نیز محترم شمرده می‌شد (افتخارزاده، ۱۳۷۳: ۷۹-۷۶). با توجه به علاقه شیعیان به دفن شدن در کنار این مزارها، این اماکن متبرکه روز به روز گسترده‌تر می‌شدند و بر اهمیت آنها افزوده می‌گشت؛ به گونه‌ای که اغلب به عنوان نمادی برای تمایلات سیاسی - مذهبی شیعیان درآمدند. همچنین، هدایای فراوانی به شکل نذورات نقدی، املاک و موقوفات به این بقاع واگذار می‌شدند. افزایش جمعیت نیز عاملی بود که بر تعداد ژواری که به زیارت امامزاده‌ها می‌رفتند، می‌افزود. این فزونی، تأثیر مستقیمی بر زیارتگاه‌ها داشت و نقش آنها را در زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه هر روز پررنگ‌تر می‌ساخت.

اصولاً بقاع متبرکه در غرب مازندران به گونه‌ای طراحی شده‌اند که از اندام‌های دیگر بافت شهری نمایان‌تر هستند.^۱ از جنبه فرهنگی، مقابله نقش حساسی در حفظ، انتقال باورها و آیین‌های اسلامی دارند، ضمن آنکه به عنوان یک بنای تاریخی، بازگوکننده گوشه‌ای از تاریخ شکل‌گیری آن نیز هستند.

۱. البته این موضوع در روستاها کمتر به چشم می‌خورد. در روستاها تفاوت چندانی از نظر نوع ساخت و مصالح به کار گرفته شده در بقاع، با خانه‌های اهالی وجود ندارد.

به علاوه نقش آنها در ایجاد و شکل‌گیری مراکز فرهنگی، اقتصادی و حتی بافت شهرها کاملاً مشهود است.

معماری بقاع متبرکه و امامزاده‌ها در غرب مازندران^۱

بنای امامزاده‌ها در واقع بازتاب هنر مردم مسلمان ایران است. اما باید به خاطر داشت که در هر سرزمینی ساختمان‌های بقاع متبرکه و به طور کلی آثار تاریخی آن، در ارتباط با وضع جغرافیایی، آب و هوایی، موقعیت تاریخی و نیز دلایل دیگر بوده است و از این رو تفاوت‌هایی میان آنها به چشم می‌خورد. بارندگی‌های فراوان، هوای بسیار مرطوب و درختان جنگلی متنوع، آفت‌های بزرگ بناهای تاریخی در شمال ایران بوده و هست. همان‌طور که می‌دانیم، خشت در مناطق خشک ایران، یعنی در حاشیه کویر، صدها سال دوام می‌آورد، اما آجر و سنگ در مناطق شمالی عمر زیادی ندارند. در این منطقه نباید در جستجوی بناهای بیش از پانصد سال بود، زیرا کمتر بنایی هر قدر هم محکم ساخته شده باشد، می‌تواند در مقابل عوارض طبیعی و وضع اقلیمی این نواحی پایدار بماند. در این سرزمین، بناهای دویست یا سیصد ساله را باید قدیمی شمرد، زیرا به طور کلی در مازندران، بویژه غرب مازندران (محل مورد مطالعه)، باران و رطوبت دایمی، مصالح را نرم می‌کند و می‌پوساند و بنای نرم و پوسیده به مرور فرومی‌ریزد و به تلی از خاک تبدیل می‌شود و چیزی نمی‌گذرد که بوته‌ها و حتی درختان روی این تل را می‌گیرند و اثری جز برآمدگی مختصری بر جای نمی‌گذارند.

۱. برای مطالعه بیشتر نک: مصطفی خلعتبری لیمایی (۱۳۸۲). سیری در تاریخ علویان غرب مازندران. تهران: رسانش.



اوضاع جوی و موقعیت اقلیمی غرب مازندران در طرح بناهای تاریخی و مصالح به کار رفته در آنها بسیار مؤثر بوده و شکل آنها را دگرگون کرده است، تا آنجا که شباهت کمتری میان بناهای تاریخی و مذهبی این منطقه با سایر نقاط ایران وجود دارد. از جنبه معماری، مصالح اصلی بنای بقاع متبرکه در این مناطق، گاهی تنها چوب است که قوام و استحکام آن نیز در مناطق مرطوب زیاد نیست. از گنبد‌های کاشی‌کاری و گلدسته‌های مزین در اینجا کمتر نشانی می‌توان یافت. بناهای تاریخی این منطقه بسیار ساده و غالب آنها به شکل مربع یا مستطیل ساخته شده‌اند. برای مثال در اکثر مناطق تنکابن و رامسر، دیوار بقاع را به همان روش خانه‌های روستایی، یعنی با چوب، شاخ و برگ درختان، گل و گاهی هم آهک، ساخته‌اند. بام بقاع نیز مشابه همین خانه‌ها ساخته می‌شوند و گاه آن را با سفال و حلب و در مناطق بیلاقی، با چوب‌هایی بنام لت^۱ (lat) می‌پوشانند. سقف داخل بقاع نیز اغلب به اصطلاح محلی، لمبه

۱. تخته‌هایی به طول سی یا چهل سانتیمتر و پهنای ده تا پانزده سانتیمتر که برای پوشش بام استفاده می‌شود.

(lambeh) کاری یا واثان‌کشی^۱ است. ارتفاع، یعنی بلندی سقف خانه‌ها نیز تفاوت چندانی با بقاع ندارد. فقط برخی خانه‌ها در دو طبقه، ولی بقاع در یک طبقه بنا شده‌اند. در خانه‌ها معمولاً یک طرف ایوان وجود دارد، ولی در بقاع اغلب اطراف اتاقک محل دفن امامزاده، به صورت ایوان ساخته می‌شود تا امکان دور زدن زائران در اطراف قبر یا ساختمان وجود داشته باشد. اغلب، قبر در وسط اتاق است و این امر امکان طواف را فراهم می‌کند (البته در بعضی از امامزاده‌ها قبر در گوشه بنا نیز دیده شده است). قبر شخص مدفون‌شده، دارای ضریح یا صندوقی به همراه تزئیناتی از چوب و در برخی موارد فلز، به صورت یک مکعب مستطیل ساخته شده و گاه قبر بدون ضریح و تنها سنگی ساده دارای نوشته یا حتی بدون نوشته است. این ساختمان‌ها عموماً بیش از یک در دارند و در مواردی نیز در چهار طرف آنها در وجود دارد که البته روزها و موارد عادی، تنها یکی از آنها باز است. وجود این چهار در به دلیل سهولت ورود و خروج و نیز طواف مزار است. این درها به ایوان که حدود یک الی دو متر عرض دارد، باز می‌شوند. در آستانه، کوچک‌تر از سایر درها ساخته می‌شود، به نحوی که شخص در موقع وارد شدن مجبور است سر خود را خم کند. شاید به این دلیل که اگر کسی به هنگام داخل شدن به طور سهوی تعظیم و تکریم را فراموش کرد، با خم کردن سر به جلو به هنگام ورود، متوجه موضوع شود.^۲

۱. نوعی چوب که زیر لمبه (تخته‌هایی به پهنای بیست سانتیمتر و طول دو متر یا بیشتر که زیر سقف بنا از داخل می‌کوبند) و روی بامدار قرار می‌گیرد و وقتی بنایی لمبه‌کاری نشده باشد، واثان‌های سقف به خوبی پیداست. گاهی این واثان‌ها به قدری زیبا ساخته شده‌اند که نیاز به لمبه ندارند.

۲. این نوع معماری را در زورخانه‌ها نیز شاهد هستیم. در زورخانه‌ها هم اغلب کوچک ساخته می‌شود تا پهلوانان با سر خمیده وارد گود زورخانه شوند و این نشانی از فروتنی است و اگر پهلوانی رسم ادب را فراموش کرد به این وسیله سر فرود آورد یا اینکه غرور خود را بشکند و با سر خمیده وارد زورخانه شود.

بقاع متبرکه و امامزاده‌های غرب مازندران ❖ ۱۵۱

زیبایی بیشتر بقاع و امامزاده‌ها در غرب مازندران، بویژه در تنکابن و رامسر، به درختان کهنسال و عظیمی است که در محوطه آنها وجود دارد. عمر بعضی از این درختان از قدمت بقعه یا تاریخ احداث ساختمان آن بیشتر است. برخی از آنها حتی قبل از ساختن بقعه وجود داشته‌اند و به دلیل وجود صاحب مزار مورد احترام اهالی هستند. به هر حال، همان‌گونه که ذکر شد، این بقاع تفاوت خاصی با خانه‌های مردم منطقه ندارند و تنها از جنبه تزئینات و نقاشی‌های دیواری و اینکه اغلب رنگ تمامی بقاع سبز است، تفاوت‌هایی میان آنها مشاهده می‌شود.

جایگاه بقاع متبرکه و امامزاده‌ها در میان مردم

تعداد امامزاده‌ها و بقاع متبرکه در شمال، بیش از نقاط دیگر ایران است؛ زیرا قیام علویان، گستره وسیعی از این سرزمین را فراگرفته بود. علاوه بر بقاع که بنا به اعتقاد مردم، محل تدفین امامزادگان و بزرگان دین است، اماکن و امور دیگری نیز مورد تکریم و احترام مردم هستند که از آن جمله می‌توان به محل‌هایی به نام قدمگاه و مساجد متبرک، درختان کهنسال که قطر آنها گاه به ۶ الی ۹ متر می‌رسد و به «پیردار» یا «آقادر» معروف‌اند و در جلوی امامزاده‌ها هستند، اشاره کرد. امروز نیز در برخی روستاها، درختان بزرگ و قطور جلوی امامزاده‌ها مورد احترام و توجه اهالی بوده و وجود درختانی به نام «آقادر» و «گته‌دار»^۱ (gatedâr)، گواهی بر این مدعاست (ستوده، ۱۳۵۵: ۵). همچنین، گاهی در بقاع، امامزاده‌ها و مساجد، آیین‌ها و مناسکی برپا می‌شود. برپایی بازارهای محلی در اطراف امامزاده‌ها حضور این اماکن را در زندگی روزمره

۱. درخت بزرگ

مردم نشان می‌دهد. به کار بردن نوعی ترکیب که از درهم‌آمیختن شیر و گِل تهیه می‌شود نیز در تعمیر بنای این گونه اماکن جالب توجه است. (مانند تعمیر مسجد «آدینه» در جواهرده رامسر که نام قدیمی آن دزگا مزگتی^۱ است و به ظاهر بر روی آتشکده قدیمی زرتشتیان بنا شده است که تا قبل از آتش‌سوزی این مسجد قدیمی در سال ۱۳۷۹، رسم گِل‌مالی در آن به اجرا در می‌آمد)



در میان تعداد زیاد زیارتگاه‌های موجود در منطقه، تعداد کمی بر اثر شرایطی خاص، از دیگر اماکن متبرکه قابل تفکیک هستند، از جمله:

۱. قرار گرفتن در شهر یا بخشی بزرگ
۲. واقع شدن در کنار یک جاده پر رفت و آمد
۳. قرار داشتن در نقاط مرتفع و کوهستانی که علاوه بر زیارت، جنبه گردشگری و سیاحت نیز به خود گرفته‌اند.

1. dezgâ mazgati

بقاع متبرکه و امامزاده‌های غرب مازندران ❖ ۱۵۳

۴. اهمّیت یا محبوبیت امامزاده و صاحب بقعه، که برای هر یک از موارد نامبرده نیز نمونه‌هایی وجود دارد.

به این نکته باید اذعان کرد که اهمیت ظاهری امامزاده با اصل شخصیتی که این بنا بر قبر او ساخته شده است، تناسب مستقیم ندارد. برای نمونه در شیروود تنکابن، بقعه‌ای بزرگ قرار دارد که بنای جدید آن به گونه‌ای چشمگیر جلب توجّه می‌کند. به باور مردم، این امامزاده که به «امامزاده سیدحسین علیه السلام» معروف است، فرزند امام موسی کاظم علیه السلام است. این بنا در کنار جاده آسفالته رامسر به تنکابن واقع شده، در حالی که به باور مردم برادر وی در محلی بیلاقی بنام چاک (čâk) مدفون و بقعه او به نام «امامزاده سیدحسن علیه السلام» معروف است. طی بازدیدی که از این بقعه به عمل آمد، بنای آن ساده و کاملاً همسطح با خانه‌های روستاییان بوده که برای بازدیدکننده، تشخیص آن از خانه‌های همجوار دشوار است. تفاوت‌های زیادی میان موقعیت این دو برادر وجود دارد: از جمله تفاوت فضای زیارتی، احترامی که برای این دو مزار قائل می‌شوند و کیفیت و کمیت نذوراتی که به این دو امامزاده اهدا می‌شود؛ گرچه به ظاهر هیچ تفاوتی در شخصیت این دو بزرگوار وجود ندارد. بقعه سید حسن در چاک، به علّت بعد مسافت و نداشتن متولی دائمی، چندین بار از سوی افراد سودجو، مورد حفاری غیرمجاز قرار گرفته، حال آنکه چنین مواردی در بقعه سید حسین در شیروود تاکنون مشاهده نشده است.

شجره‌نامه بقاع متبرکه در غرب مازندران

درخصوص نَسَب و شجره‌نامه این بقاع باید گفت که با توجه به اشاره منابع موجود، بقاع متبرکه تنکابن و رامسر، به غیر از چند بقعه که نَسَب آنها

دقیقاً مشخص است، احتمالاً از پیروان زیدیه^۱، علویان و سادات محلی بودند که به این دیار مهاجرت کردند یا در درگیری‌ها به شهادت رسیدند، یا زندگی آرامی را پشت سر گذاشته و پس از عمری ارشاد خلق به مرگ طبیعی بدرود حیات گفته‌اند.^۲ با این حال از دید عامه مردم تمام این بقاع، امامزاده محسوب می‌شوند. با آنکه نَسَب همه آنها مشخص نشده است و شجره‌نامه‌های معتبری از آنان در دست نیست، لیکن از روی شواهد و قرائن موجود از جمله شکل‌گیری نهضت علویان در مازندران و راهبرد تهاجمی آنها در برخورد با خلفای اموی و عباسی، می‌توان گفت که اغلب آنان از دودمان علوی هستند.

البته موارد نادری از این بقاع نیز وجود دارند که به اشتباه و بر اثر مرور ایام، امامزاده خوانده شده‌اند. نمونه آن در محال ثلاث (تنکابن، کلارستاق، کجور)، گور مصقله شیبانی، عامل معاویه است که از طرف خلیفه برای سرکوبی اسپهبد فرخان (اسپهبد مازندران) اعزام شده بود. او از سوی سپاه فرخان و مردم کجور غافلگیر و کشته می‌شود. بنا به گفته ابن‌اسفندیار، مردم منطقه، مدت‌ها به گمان صحابه و علوی بودن، مزار وی را تکریم و احترام می‌کردند (ابن‌اسفندیار، ۱۳۶۶: ۱۸۵). قبر وی هم اکنون در روستای چهارسوی کجور است (برای اطلاع بیشتر در این زمینه، ر. ک. منوچهر ستوده، از آستارا تا استرآباد، جلد ۳: ۱۰۱ به بعد). با وجود آنچه گفته شد، به علت کمبود منابع، بحث دقیق درباره نسب‌نامه بقاع متبرکه راه به جایی نمی‌برد بلکه بر شبهات ما می‌افزاید. البته پیدا نشدن شجره‌نامه و نَسَب‌نامه دلیل بر نبود آن نیست و امکان دارد در بزنگاه‌های مختلف تاریخی، برخی از این شواهد از بین رفته باشد.

۱. مانند ابوالحسن مؤید بالله، رهبر زیدیه مازندران که در لنگای تنکابن مدفون است.

۲. مثلاً امامزاده آقا پلا سید (palâ seyed) در سادات‌محلله رامسر که گویا از طرف یکی از شاهان صفوی، از اصفهان برای تبلیغ به سادات‌محلله سخت‌سر (رامسر) آمده بود.

جمع‌بندی

بقعه و فرهنگی که پیرامون آن شکل می‌گیرد از جمله خاستگاه‌های برخی حوزه‌های فرهنگ‌عامه است. همچنین زمینه مساعدی است برای زنده نگه‌داشتن باورهای عامه و اعتقادات مردم؛ چرا که دیرتر از جاهای دیگر دستخوش فراموشی و تحول می‌شود. برای بقعه، علاوه بر موجودیت مذهبی، نوعی ارزش فرهنگی نیز باید قائل شد. در بقعه همه کارها از جمله نظافت، تعمیر، بازسازی، بهسازی، نگهداری و آبادانی به همّت اهالی صورت می‌گیرد؛ چون بسیاری از آمال و آرزوهای خود را در آن می‌جویند. بُقاع، پناهگاه بی‌پناهان و نماد پاکی، زهد و تقوی به حساب می‌آیند و از این‌رو مردم به آن عشق می‌ورزند و برای آن نذر می‌کنند و از باب اینکه چه معجزاتی دارد، برایش تبلیغ می‌کنند. رابطه مردم با بقاع در شهرها مانند روستاها نیست. در شهرها این روابط و نگرش‌ها کمتر مشاهده می‌شود و تاحدودی سطحی است؛ هر چند رسمی‌تر و تشریقات آن بیشتر و تحت ضابطه و اصولی مشخص است. در روستاها از هیأت امنای که معمولاً بقاع شهری است، خبری نیست. روستاییان و شهرنشینان اغلب، عصر پنج‌شنبه، جمعه‌ها و ایام سوگواری، بویژه ماه محرم به زیارت بقاع می‌روند. معمولاً هرکس به زیارت می‌رود، قبر یا ضریح امامزاده را می‌بوسد و به همراه ادای احترام قلبی و ظاهری، فاتحه‌ای نیز می‌خواند و به تلاوت قرآن و دعا مشغول می‌شود. برخی از زوار، در و دیوار امامزاده را نیز می‌بوسند، یا دست خود را به در و دیوار می‌کشند و برای تبرک به صورت خود می‌مالند. عده‌ای هم که نذر و نیازی دارند، پس از برآورده‌شدن حاجتشان، به زیارت امامزاده مورد نظر می‌روند و دین خود را ادای می‌کنند. اگر چه برای زیارت بقاع، آداب خاصی وجود ندارد، اما این مراسم،

بیشتر در اعیاد، سوگواری‌ها و بویژه ایام محرم انجام می‌شود. شروع و خاتمه راهپیمایی دستجات عزادار در ماه محرم، اغلب از همین اماکن است. در بیشتر امامزاده‌ها، تکیه و مسجد وجود دارد، ولی بقاع بدون مسجد و تکیه نیز مشاهده شده است.

منابع

الف) کتاب

۱. ابن اسفندیار (۱۳۶۶). تاریخ طبرستان. تصحیح عباس اقبال، ج ۲، تهران: پدیده خاور.
۲. خلعتبری لیمایی، مصطفی (۱۳۸۲). سیری در تاریخ علویان غرب مازندران (همراه با بررسی امامزاده‌های تنکابن و رامسر). تهران: رسانش.
۳. ستوده، منوچهر (۱۳۵۵). از آستار تا استرآباد. ج ۳، تهران: انجمن آثار ملی.

ب) مقاله

- افتخارزاده، محمود (۱۳۷۳) «درآمدی بر مزارها، کانون‌های معنوی اسلام در ایران». میراث جاویدان، س ۲، ش ۷.

